

# بدنبال جهانی شدن حقوق کیفری<sup>۱</sup>

نویسنده: ژان پرادل<sup>۲</sup>

مترجم: محمدمهدی ساقیان<sup>۳</sup>

## چکیده

امروزه جهانی شدن حقوق در تمام شاخه‌های آن - به رغم موانع و محدودیتهای موجود - به یک واقعیت تبدیل شده است. بی‌تردید، حقوق کیفری نیز نمی‌تواند از این قاعده مستثنا باشد. در این مقاله، نویسنده پدیده جهانی شدن را در دو بعد همگرایی نظامهای کیفری ملی و ظهور یک عدالت کیفری فراملی، مورد بررسی قرار داده و کوشیده است تشابهات نظامهای کیفری مختلف را تبیین نماید. با وجود این، وی عقیده دارد که جهانی شدن حقوق کیفری تنها در سطح اصول راهبردی قابل تحقق است و نمی‌توان تحقق آن را در تمام جزئیات انتظار داشت.

**واژگان کلیدی:** جهانی شدن، حقوق کیفری، آیین دادرسی کیفری، کیفرشناسی، همگرایی، وحدت.

۱. مقاله حاضر تحت عنوان:

Pradel (jean), "Vers une mondialisation du droit penal", In Melanges J. C. Soyier, L. G. D. J., 2001, pp. 317-330.

در مجموعه مقالات اهدایی به مقام علمی آقای ژان کلودسواپه در سال ۲۰۰۱، صفحات ۳۱۷ تا ۳۳۰ به چاپ رسیده است.

۲. آقای ژان پرادل استاد دانشگاه پواتیه فرانسه و رئیس انجمن فرانسوی حقوق کیفری است.

۳. دانشجوی دوره دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه پواتیه فرانسه.

## مقدمه

حتی ناظری که دارای کمترین دقت در مشاهدات خویش است، نمی‌تواند در این برداشت اشتباه کند که: شیوه زندگی انسانها - به هر منطقه‌ای از دنیا که تعلق داشته باشند - امروزه بیش از پیش به هم نزدیک شده است. تفاوت‌های دیروز بیش از گذشته فراموش شده‌اند. رسمها، سلیقه‌ها و اوقات فراغت، تحت تأثیر سینما و تلویزیون، گرایش به یکی شدن دارند. حتی «لیاس نیز با اقتباس از کت و شلوار غربی، بین‌المللی می‌شود»<sup>۱</sup> نوع معماری هم بیش از گذشته گرایش به یکی شدن، درهمه جا دارد و سبک‌های منطقه‌ای بتدریج در برابر مجموعه‌های بزرگ همانند، فراموش می‌شوند. امروزه مسافری که از اطراف یک شهر بزرگ عبور می‌کند، دیگر براحتی نمی‌تواند درک کند که در هوستون، بوئنس آیرس و یا هنگ کنگ قرار دارد. در قلمرو اقتصادی نیز پدیده جهانی شدن قابل ملاحظه است. وقتی که بازار بورس در توکیو دچار نوسان می‌شود، این نوسان به بورس پاریس هم منتقل می‌شود. رهبران تمام کشورها به سهم خود، ادبیات مشترکی را می‌پذیرند و از دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و آزادی، به عنوان کلمات جادویی - که اغلب تبدیل به کلیدی برای بازکردن درهای موفقیت سیاسی شده است - سخن می‌گویند. اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، بیان منشور این انجیل جدید<sup>۲</sup> جلوه می‌کند. شورای مذهبی واتیکان II از کلیسای کاتولیک، در واقع وسیله‌ای برای نزدیک کردن مردم به یکدیگر، ایجاد کرد. بدین ترتیب، اگر نه نوعی وحدت،<sup>۳</sup> دست کم نوعی یکسان سازی یا بهتر بگوییم، جهانی شدن رفتار انسانها در فراسوی مرزها متجلی می‌شود.

بنابراین، پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که آیا در حقوق کیفری به معنای وسیع کلمه (*Lato sensu*) نیز پدیده جهانی شدن متجلی می‌شود؟ صریح‌تر اینکه، آیا

1. R. RÉMOND, "Introduction à l'histoire de notre temps", III-Le xx siècle de 1914 à nos jours, Le Seuil, 1989, p. 276.

۲. منبع پیشین، ص ۲۷۷. هر چند که نویسندگان و تهیه کنندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر عمدتاً مسیحی بوده‌اند، لیکن به نظر میرسد متن اعلامیه عاری از هر گونه ملاحظات دینی، ملی و نژادی تنظیم و تدوین شده است. بطوریکه ویژگی جهان شمول خود را حفظ نماید. بنابر این آنچه نویسنده محترم در این خصوص ذکر نموده نظر کاملاً شخصی اوست. (مترجم)

۳. یکسان سازی واژه ضعیف تری نسبت به واژه وحدت است. واژه اخیر به معنای "اقدامی است که با یک تشکل یا واحد دیگری بسازیم (فرهنگ لیتره)، درحالی که واژه اول یعنی یکسان سازی، اندیشه حکومت شکل واحد را بر همه جا مطرح می‌کند (فرهنگ لیتره)، آری که امکان حیات را به واحدها یا وجودهای دیگر می‌دهد.

حقوق کیفری ماهوی، آیین دادرسی کیفری و حقوق زندانها<sup>۱</sup>، توده‌ای را که متمایل به وحدت در تمام مناطق دنیا باشند، تشکیل می‌دهند؟ این پرسش باید مطرح شود، زیرا از یک سو، بعضی از شاخه‌های حقوق<sup>۲</sup>، پیشتر به طور وسیعی متحد یا حداقل یکدست شده‌اند، و از سوی دیگر، به سختی قابل تصور است که، حقوق کیفری از جنبش جهانی شدن کاملاً جدا بماند.

درحقیقت، اندیشه یک حقوق کیفری جهانی، در نگاه اول، ذهن را جذب خود نمی‌سازد، زیرا اعمال عدالت کیفری، مانند ضرب سکه با اتخاذ یک سیاست خارجی، بیان حاکمیت دولت است. بدون تردید، در این بینش طرفدار حاکمیت ملی است که دولتها موافقت نامه‌های همکاری به منظور مثلاً استرداد مجرمان، امضاء می‌کنند، اما نمی‌توان فراتر از این رفت و قواعد و مقررات یکسان کیفری را بویژه در سطح جهانی، تصویب کرد. نویسندگان چندی در این خصوص توضیح داده‌اند که نمی‌توان حقوق کیفری را متحد یا حتی یکسان کرد و از آن نتیجه گرفته‌اند که از پرداختن به حقوق کیفری تطبیقی نتیجه قابل توجهی به دست نمی‌آید.<sup>۳</sup> به همین جهت است که یک متخصص بزرگ حقوق تطبیقی، همچون «گوتریچ» (Guttridge) که موافق با برخی جنبه‌های یکسان‌سازی بود، در کتاب خود (حقوق تطبیقی، مقدمه‌ای بر روش تطبیق در تحقیقات حقوقی و مطالعه حقوق) بر این باور بوده که می‌بایست مطالعات تطبیقی در قلمرو حقوق کیفری را توجیه کرد.<sup>۴</sup> علاوه بر دلیل مربوط به حاکمیت، می‌توان علیه جهانی شدن حقوق کیفری، دلیل دیگری را نیز که جنبه ماهوی دارد، افزود. حقوق کیفری و به طریق اولی آیین دادرسی کیفری بیان یک فرهنگ<sup>۵</sup> هستند و همان گونه که فرهنگها برحسب کشورها متفاوتند، هر شکل جهانی سازی غیرقابل تصور می‌نماید. این موضوع دیدگاه «متسکیو» نیز بوده است که در کتاب خود روح القوانين (۱۷۴۸) می‌نویسد: «توانین باید آنچنان خاص ملتی باشند که برای آنها وضع شده‌اند که تنها به طور اتفاقی بتوانند برای یک ملت دیگر مناسب باشند».

۱. برای گرد آوردن تمام این شاخه‌ها، امروزه از "نظام عدالت کیفری" سخن به میان می‌آید.

۲. برای مثال می‌توان به حقوق تعهدات اشاره کرد.

3. J.B. HIERZOG, "Les Principes et les méthodes du droit pénal comparé", Revue internationale de droit comparé, 1957, p.337

۴. ترجمه فرانسه، ۱۹۵۳، ص ۵۲-۵۱.

۵. ذهن به رویارویی قدیمی، بین آئین‌های دادرسی اتهامی و تقنینی معطوف می‌گردد.

دلایل یاد شده، اهمیت واقعی دارد، اما در عین حال قطعی به نظر نمی‌رسند. ابتدا ملاحظه خواهیم کرد که بزهکاری به طور همزمان در حال افزایش است و تقریباً به طور یکسان در تعداد زیادی از کشورها به وقوع می‌پیوندد (بزهکاری شهری و بزهکاری سازمان یافته).<sup>۱</sup> نتیجه این که قانونگذاران ناگزیر از واکنش مشابه در برابر پدیده بزهکاری هستند و ایدئولوژیهای خاص در برابر واقع بینی کنار می‌روند. سپس متذکر خواهیم شد که برای پاسداشت حساسیتهای مربوط به حاکمیت - که مشروع نیز هست - جهانی شدن حقوق کیفری، تنها با رضایت قانونگذاران ملی محقق می‌شود. نزدیک شدن نظامهای حقوقی را ممکن نیست از خارج تحمیل کرد و اگر در گذشته<sup>۲</sup> همواره به این ترتیب نبوده است، اما امروز دیگر چنین است.

بنابراین دلایل فوق است که اکنون و از چند دهه اخیر، می‌توانیم شباهت‌های آشکاری را ملاحظه کنیم. این نزدیک شدن و همگرایی با روابط پیش از پیش تنگاتنگی که نمایندگان ملل مختلف با هم ایجاد می‌کنند، توجیه و تبیین می‌شود. سازمانهای بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد در وین و یا سازمانهای منطقه‌ای مانند شورای اروپا در استراسبورگ، نسبت به تدوین و تدارک متون کیفری که هدف آن قطعاً اجرای متون یاد شده در تعداد بیشتری از دولتهاست، فعالیت می‌کنند.

همچنین نمی‌توان نقش سازمانهای غیردولتی (مانند انجمن بین‌المللی حقوق کیفری AIDP که با سازمان ملل پیوسته است و به مناسبت کنگره‌های خود قطعنامه‌هایی صادر می‌کند و در واقع، قانونگذاران را مخاطب قرار می‌دهد) را نادیده انگاشت.<sup>۳</sup> بی‌گمان،

1. F.FALLETTI et F. DEBOVE, Planète Criminelle, PUF, 1998. Adde Tendances de la Criminalité et Fonctionnement de la justice pénale aux niveaux régional et interrégional; enquête publiée périodiquement par les Nations Unies; la dernière enquête remontant à 1993.

۲. برای مثال اشاره می‌کنیم که در گذشته پذیرش حقوق کیفری دولت فاتح توسط دولت مغلوب، مانند چیزی که در آمریکای شمالی برای هندوهای که مجبور به اجرای کامن لَو (common law) بودند و یا در آفریقا با استعمار فرانسه و انگلیس مشاهده می‌شود، ظاهر شده است. همچنین می‌توان به تأثیر آمریکا بر ژاپن پس از جنگ جهانی ۱۹۴۵ اشاره نمود؛ نکته: به ژان پرادل، حقوق جزای تطبیقی، ۱۹۹۵، دالوز، شماره ۱۳۴ و بعد.

۳. اشاره می‌کنیم که انجمن بین‌المللی حقوق جزا، همایش‌هایی را در خصوص بزهکاری سازمان یافته ازجمله کنفرانس مندماهی در ناپل (۱۹۹۷) در خصوص حقوق جزای عمومی الکساندری (۱۹۹۷) در خصوص حقوق جزای اختصاصی، گوا دالاجوا! در مکزیک (۱۹۹۷) در خصوص آئین دادرسی کیفری و لاهه (۱۹۹۸) در خصوص حقوق جزای بین‌الملل، ترتیب داده است.

افزایش مطالعات حقوق تطبیقی در این همگرایی مؤثر است، زیرا بررسی حقوق کشور همجوار می‌تواند میل به پیروی از آن را الهام بخشد.<sup>۱</sup> تمام این عوامل امروزه به طور غیرقابل انکاری منتهی به کاهش انزوا در بین حقوق کشورها شده است که سرآغازی بر جهانی شدن حقوق کیفری به شمار می‌آید. پدیده جهانی شدن در دو بعد قابل بررسی است: نخست، در بعد همگرایی و نزدیکتر شدن حقوق کیفری کشورها، و دوم و به طرز روشتر در بعد ظهور یک عدالت کیفری فراملی.

### بخش نخست: نزدیکی نظامهای کیفری ملی

از دیدگاه جغرافیایی، پدیده نزدیک شدن مضاعف است. گاهی از شباهتها در سطح یک منطقه سخن گفته می‌شود. مقررات اروپایی که در بطن شورای اروپا مانند کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۴۰ کشور) و یا در بطن اروپای جامعه مشترک (۲۵ کشور) تهیه می‌شوند، تنها مورد توجه دولتهای این دو مجموعه قرار می‌گیرند.<sup>۲</sup>

افزون بر این، گاهی متونی وجود دارد که مربوط به منطقه خاصی بوده، ولی استمرار نداشته‌اند. در این خصوص می‌توان به قانون (کد جزا نمونه لاتین-آمریکایی<sup>۳</sup> یا مدل قانون جزا (Model penal code) آمریکایی اشاره کرد. گاهی این همگراییها، گروه بزرگی از دولتها را که لزوماً تمام آنها در یک منطقه مشخص نیستند در برمی‌گیرد. به عنوان مثال، می‌توان از اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۴</sup> ۱۹۴۸ نام برد. در هر دو مورد تفاوتها منموس نیستند، زیرا متون عمومی منطقه‌ای وجود دارند که به رغم اینکه از نواحی مختلفی نشأت گرفته‌اند، به هم نزدیک هستند. در این خصوص منشور حقوق بشر آمریکایی ۱۷۹۱

1. M. ANCEL, "Comment aborder le droit comparé?" Mélanges R. Rodière, Dalloz, 1981, p. 3 ets; F. TULKENS, rapport de synthèse au thème Les systèmes de justice pénal comparé. De la diversité au rapprochement. Les politiques pénales et le comparativisme. Actes de la Conférence internationale à l'occasion du xxv<sup>e</sup> anniversaire de l'institut supérieur international de sciences criminelles, Syracuse, 16-20 décembre 1997, Nouvelles études Pénales, Érès, n 17, p. 63 ets.

۲. همچنین نگاه کنید به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹ مرسوم به پیمان سن خوزه (San Jose). در این کنوانسیون، همان اصول مندرج در کنوانسیون اروپایی قابل رؤیت است. نگاه کنید به:

J.Y. MORIN, L'Etat de droit: émergence d'un principe du droit international, Académie de Droit international Nijhoff, 1995, p. 274 et s.

3. J. Bustos RAMÍREZ et. M. VALENZUELA BEJAS, Le système pénal des pays de l'Amérique Latine (avec référence au code pénal type latino-américain), pedone, 1983.

۴. گفتمانی است که این متن دارای اهمیت ضعیفی است و بنابراین صرفاً جنبه اعلامی دارد.

(Bill of rights) (که چهاردهمین اصلاح آن در سال ۱۸۶۸ صورت گرفت)، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۳ و منشور کانادایی حقوق و آزادیهای ۱۹۸۲ نمونه‌های شایان ذکر هستند. هر سه این ساختارهای منطقه‌ای، بیش از اندازه به هم شبیه‌اند.<sup>۱</sup>

از دیدگاه ماهوی، شباهتها مربوط به تمامی بخشهای حقوق کیفری به معنای وسیع آن است. در این مورد نیازی به تأکید بر روی نظریه جرم که همواره در قوانین (کدهای) مختلف بسیار شبیه به هم بوده، نیست. قانونگذاران همواره بین قصد و تقصیر، جرم نام و شروع به جرم، مباشر و معاون و ... تفکیک قایل شده‌اند. به ذکر دو نکته در این خصوص اکتفا می‌کنیم: اول اینکه تفاوتی وجود دارد؛ به طور مثال، قانون جزای بلژیک، برای یک مباشر شروع به جرم، مجازات کمتری از یک مباشر که جرم را به طور تام انجام داده، پیش‌بینی نموده است (ماده ۵۲۰)، در حالی که قانون جزای فرانسه، برای هر دو مورد یک مجازات را پیش‌بینی می‌کند. (ماده ۴-۱۲۱ قانون جزا). در مجموع برداشتهای گوناگونی از شروع به جرم در قوانین کشورهای مختلف وجود دارد.<sup>۲</sup>

دومین نکته مربوط به نوآوریهاست. برخی از کشورها گرایش به اکتساب این نوآوریها از کشورهای دیگر دارند. برای مثال، این ایده که تنها عمل با قصد مجرمانه قابل مجازات است و مجازات عمل ناشی از بی‌احتیاطی تنها در موارد استثنایی امکان‌پذیر می‌باشد؛ یا پذیرش تدریجی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی که برای مثال در قاره اروپا ابتدا در سال ۱۹۵۰ در هلند و بتدریج در سایر کشورها از جمله در فرانسه (۱۹۹۴)، فنلاند (۱۹۹۷) و استونی (۱۹۹۸) پذیرفته شد؛ یا اینکه پرداخت جزای نقدی روزانه که از دهه ۱۹۲۰ با اقتباس از کشورهای اسکاندیناوی، مورد توجه بسیاری از قوانین کشورهای اروپایی یا غیرازوپایی قرار گرفته است و موارد دیگری از این دست، گویای این واقعیت هستند که دورنمای اندیشه یک طرح کلی از قانون جزای اروپا می‌تواند به طور کامل احساس شود.

۱. J. PRADEL, *Droit pénal comparé précité*, n. 132.

۲. مفهوم ذهنی (و بنابراین سرکوبگر) در انگلیس، مفهوم عینی (و بنابراین آزادمنش) در فرانسه، بلژیک، ایتالیا و آلمان، رک:

N. HUSTIN – DENIES et D. SPIEL MANN. *L'infraction inachevée en droit pénal comparé*, préface Ch. Hennau-Jublet, Bruylant (BRUXELLES), 1997.

۳. همچنین یک تفاوت کاهش یافتن (که ادامه خواهد داشت) بین قوانینی که ارتکاب جرم بوسیله ترک فعل را پذیرفته و قوانینی که موضوع را نپذیرفته‌اند وجود دارد.

A. WASEK, "la responsabilité pénale pour omission dans le droit pénal polonais. Comparaison avec le droit pénal français." *Revue pénitentiaire et de droit pénal*, 1998, n.1-2, p. 91 et s.

ما در اینجا بیشتر بر روی دو بخش از حقوق کیفری که ریشه داخلی دارد، تأکید می‌کنیم. این دو بخش عبارتند از، آیین دادرسی کیفری و کیفرشناسی.

## الف) آیین دادرسی کیفری

آیین دادرسی کیفری همه جا خود را مواجه با یک گرایش سه گانه که همانا تأکید بر آزادی، انصاف و مؤثر بودن است، می‌بیند. این سه اصل چه در کشورهای دارای سیستم اتهامی و چه در کشورهای دارای سیستم تفتیشی قابل رؤیت است.<sup>۱</sup> حمایت از آزادی آشکار است. در گذشته و در همه جا، مقررات مربوط به تحت نظر قراردادن و بازداشت موقت، در حد اصطلاح ابتدایی آن تنزل یافته و تنها دکترین بود که بر تنظیم مقررات درخصوص آنها و بویژه احصای مواردی که برای آنها «بازداشت قبل از محاکمه»، ممکن بود، اصرار می‌ورزید.<sup>۲</sup>

باری، کمی شبیه به آنچه در حقوق مربوط به جرایم متداول است، در مواردی که بعضی از قانونگذاران برای دفاع بهتر از اصل برائت مقرراتی را در این خصوص تصویب می‌کنند، سایر قانونگذاران نیز از همین شیوه پیروی می‌کنند. امروزه، تقریباً تمامی قوانین آیین دادرسی کیفری، به طور واضح، مدت تحت نظر قراردادن و بازداشت موقت و مواردی که در آنها این اقدامات ممکن است و همچنین آیین دادرسی قابل اعمال و وسایل خاتمه دادن به این اقدامات را مشخص کرده‌اند. مطمئناً شیوه‌های حقوقی از کشوری به کشور دیگر متغیر است، اما طرز تفکر در همه جا یکی است، بویژه مسأله بازداشت موقت، امروزه بیش از پیش مورد بدبینی است، به طوری که بحث از ممنوعیت آن در هر شکلی که باشد، مطرح است مگر...<sup>۳</sup>

۱. تفاوتی که با وجود تداوم آن، امروز کم‌رنگ‌تر شده و هر یک از دو سیستم به هم نزدیک شده‌اند.

Inquisitoire – accusatoire : un écroulement des dogmes en procédure pénale? “colloque international tenu à Aix – en – Provence les 9 et 10 juin 1997, Revue internationale de droit pénal, 1997, vol. 68. n<sup>o</sup>. 1 et 2. Un auteur a écrit que “les frontières traditionnelles se brouillent” F: Tulkens, Nouvelles études pénales, Frés, n 17, 1998, p. 70.

2. R.VOUIIN, Revue de science criminelle, 1965. p. 823 et s. J.P.DOUCET, la Gazette du Palais, 1966. I, doct. p. 130

3. Les atteintes à la liberté avant Jugement en droit pénal comparé, sous la direction de J.PRADEL, Travaux de l’institut de Sciences Criminelles de poitiers, 1992, vol. XI, Cujas.

[اصل] انصاف ((L'équité (fair trial , due process of law)) در تعداد قابل توجهی از متون بین‌المللی، قوانین اساسی و قوانین داخلی پذیرفته شده و در همه جا در بردارنده عناصری واحد است. همانند اصل برائت، قاضی بی طرف و مستقل، حقوق دفاعی (حق مطلع شدن از موارد اتهامی، حق داشتن مترجم، حق احضار شهودی که علیه او شهادت داده‌اند ...)، مهلت معقول دادرسی و .... جهانی شدن، همان‌گونه که مثال «اماره مجرمیت» نشان می‌دهد،<sup>۱</sup> منتهی به نزدیک شدنهای باورنکردنی شده است. اما با وجود این، موضوع با محدودیت‌هایی روبروست، زیرا اگرچه این اصول تقریباً در همه جا اعلام شده‌اند، ولی اجرای آنها بیش و کم یکسان نیست. در این خصوص رأی صادره در سال ۱۹۹۰ از دیوان عالی آمریکا (پرونده کالیفرنیا - هوداری ۷۰) در پرونده مربوط به چهارمین اصلاح بر روی تحقیقات، ضبط اشیاء و بازداشتها را مثال می‌آوریم. در این پرونده، قضات اقدام پلیس را در مورد بازداشت و بازرسی از شخصی که بر پایه گزارش مخبرین وابسته (به پلیس) آغاز شده بود، تأیید کردند. براساس این گزارشها، شخص مظنون هر روز آپارتمان مشخصی را در زمانی معین ترک می‌کرد و در حالی که چمدان کوچکی را در اتومبیل خود حمل می‌نمود، در جستجوی متلی خاص بوده است. مخبر گزارش داده بود که شخص مظنون همواره مواد مخدر حمل می‌نماید. مظنون در حالی که به طرف متل مزبور در حرکت بوده است، توسط پلیس توقیف می‌شود. در این مورد، با وجود آنکه تمام قرائن مبهم بوده و به رغم اینکه در لحظه توقیف، شخص هیچ‌گونه چمدانی را با خود حمل نمی‌کرده، روند رسیدگی مربوطه معتبر شناخته شده است. در این پرونده، دیوان عالی، به نام «مبارزه علیه جرم» روند رسیدگی را معتبر اعلام کرد.<sup>۲</sup>

۱. دیوان اروپایی حقوق بشر با واقع بینی تعدادی از امارات مجرمیت را پذیرفته است. این پذیرش بر اساس این قاعده که: "هر سیستم حقوقی امارات موضوعی و حکمی را به شرطی که از محدودیت های معقول تجاوز نکرده و اهمیت موضوع و حفظ حقوق دفاعی را مورد نظر قرار دهد، را می پذیرد، می باشد" Sulabiaku 7 october 1988. اصطلاحی که تقریباً به وسیله دیوان عالی کشور فرانسه مورد استفاده قرار گرفته است:

Crim . 10 pèvr.1992 . Bull . crim . n°62 ' 9 avr.et 11 juin 1992 , Bull . crim . n . 155 et 231 . 16 mars 1993 , Bull . crim , n . 115 .

2. C. BLAKESLEY, the role and impact of constiutionnalisation, constitutional courts and supreme courts on the evolution and development of criminal justice systems: the strange

سرانجام جستجوی کارآیی است که منتهی به نزدیک شدن حقوق کشورها می‌شود. از یک سو افزایش دعاوی، بویژه دعاوی انبوه (همه‌گیر)، قانونگذاران را مجبور به اتخاذ راهکارها و ابزارهایی در جهت تسریع در رسیدگی‌ها کرده است. راهکارهایی مانند «سازش» (transaction) (که در این مورد فرایند رسیدگی با پرداخت مبلغ معینی توسط متهم به دولت خاتمه می‌یابد (بلژیک، هلند و آلمان))، «قرار کیفری» که ما را از تشکیل دادگاه برای دعاوی کوچک بی‌نیاز می‌کند. سازوکار «معامله اتهام» (plea bargaining) که در آمریکا به منظور تسریع رسیدگی در دادگاه استفاده می‌گردد، با تغییرات کمی مورد توجه قانونگذار ایتالیایی (patteggiamento) (ماده ۴۴۴ قانون آ.د.ک) و قانونگذار لهستانی (ماده ۳۳۵ ا.د.ک) قرار گرفته است. از سوی دیگر، برای تسهیل در کشف حقیقت، بخصوص در موضوعات مهم (مانند بزهکاری سازمان یافته) در همه جا مسأله شود تلفنی، تکنیکهای مراقبتی سمعی - بصری و صوتی، توسل به مخبران، برای احراز اینکه مجرمان سابق (نادمان) در ارتکاب اعمال مجرمانه شرکت داشته‌اند یا نه، اماره‌های مجرمیت و حتی اجرای موارد «تحويل تحت کنترل» که توسط کنوانسیون وین ۱۹۹۸ درخصوص مبارزه بر ضد قاچاق مواد مخدر توصیه شده، گسترش یافته است.<sup>۱</sup>

## ب) درخصوص کیفرشناسی

درخصوص کیفرشناسی، شباهتها، باید برحسب نوع مجازاتها و اجرای آنها مورد بررسی قرار گیرد. تا اواسط قرن بیستم، مجازات اصلی به طور قطع، مجازات سالب آزادی بود. باید اذعان نمود که در آن موقع نیز می‌توانستیم از نوعی جهانی شدن، به اعتبار اینکه از مجازات زندان در همه جا استفاده می‌شد، گفتگو کنیم. باری، امروزه مجازاتها بسیار متنوع شده‌اند. این تنوع مربوط به کیفرهایی است که در همه جا از یک گونه‌اند، به طوری که جهانی شدن، با توجه به اینکه نه تنها شامل یک دسته از کیفرهاست، بلکه تعداد بزرگی از آنها را در برمی‌گیرد، ملموس‌تر است. همگان این گونه مجازاتها، مانند تعلیق، تعلیق از آنها را در برمی‌گیرد، ملموس‌تر است. همگان این گونه مجازاتها، مانند تعلیق، تعلیق

trip in the U.S. in les systèmes compares de justice pénale: de la diversité au rapprochement / comparative criminal systems : from diversity to rapprochement. Actes de la conférence internationale à l'occasion du XXV Anniversaire de l'Institut supérieur international de sciences criminelles, décembre 1997, Nouvelles études pénales. Érés, n 17.1998. p.282.

۱. در خصوص تمام این موارد نگاه کنید به کنوانسیون اشاره شده در سال ۱۹۹۷ و بویژه گزارش عمومی آن.

مراقبتی، جریمه و جریمه روزانه، کار عام‌المنفعه، ممنوعیت‌های شغلی، لغو گواهینامه رانندگی و ... را که غیر از کیفر سالب آزادی هستند، می‌شناسند.

این فهرست در تمامی قوانین جزایی، حتی قوانین اساسی، مانند قانون اساسی برزیل (ماده ۱۴ x) مشهود است. علاوه می‌توان شباهت‌های شگفت‌انگیزی را مانند موردی که به آن اشاره خواهد شد، ملاحظه نمود: در اواخر قرن نوزدهم، می‌توانستیم، تعلیق اجرای مجازات (le sursis à l'exécution de la peine) مرسوم در سیستم فرانسه - بلژیک را در برابر تعلیق اعلام رأی (sursis au prononcé de la sentence) که مدت مدیدی در حقوق کامن لا اجرا و از آن به عنوان تعلیق مراقبتی (نظام پروبایسیون) (Probation) یاد می‌شد، قرار دهیم. باری، در جریان قرن بیستم، هریک از دو سیستم حقوقی، با حفظ تمامی نهادهای خاص و اصلی خود از یکدیگر تأثیر می‌پذیرفتند. به طور روش‌تر، انگلیس در سال ۱۹۶۷، ساز و کار حکم تعلیق شده را تصویب نمود که همان تعلیق اجرای مجازات بود که در فرانسه از سال ۱۹۷۵ به نفع منتهی که مجرمیت او با تعویق صدور حکم احراز گشته بود، اجرا می‌شد.

عاملی که همگرایی بین قوانین را تقویت می‌کند، اجرای آنها توسط قضات است. در ابتدا به اهمیت عملی مجازات موسوم به «جایگزین» (Alternative) اشاره می‌کنیم. البته، تطابق آمار دولتها، بویژه به علت اینکه قوانین کشورها اغلب مشابه نیستند و ارقام داده شده همیشه جدید نیست، دشوار است. با وجود این، برای مثال می‌توان ملاحظه نمود که کار خدمات عام‌المنفعه، نسبتاً در همه جا اعمال می‌شود: کشور نروژ که آن را در سال ۱۹۸۳ وضع نمود، ۲۴ بار در سال ۱۹۸۴، ۷۶۰ بار در سال ۱۹۹۱<sup>۱</sup> و ۱۲۲۴ بار در سال ۱۹۹۴<sup>۲</sup>، آن را برای یک جمعیت در حدود ۳ میلیون نفر، اعمال کرده است. فرانسه و انگلیس نیز به سهم خود، اما با یک تفاوت واقعی اغلب آن را برای یک جمعیت ۵۷ میلیونی اعمال کرده‌اند. در سال ۱۹۸۴، تعداد ۲۱۴۶۱ محکومیت به کار خدمات عام‌المنفعه (در فرانسه) در مقابل ۴۹۵۰۰ مورد محکومیت به یک حکم خدمات عمومی (community service order) در انگلیس اعمال گردیده است.<sup>۳</sup> سپس نوعی رویگردانی تدریجی در خصوص مدت مجازات سالب آزادی - که در این مورد تمام نویسندگان و یا تقریباً همگی آنها با آن موافقت - به

1. P.LARSSON, "Norwegian penal policy in the 80's", publication du laboratoire de sciences criminologiques, faculté de droit de Thrace (Grèce) Vol8, décembre. 1993, p.85.

2. Bulletin d'information pénologique, Conseil de L'Europe, n. 21, décembre 1998, p.96.

چشم می‌خورد، آقای کوسن (CUSSON) از «ملایمت نسبی مجازاتهای امروز» سخن می‌گوید.<sup>۱</sup> بی‌تردید این ملاحظات، باید به شدت عملی که قضات آمریکایی نسبت به جرایم شدید و نیز قضات ایرلند شمالی، اسلونی و ترکیه معمول می‌دارند، معطوف گردد.<sup>۲</sup> اگر مسأله اجرای مجازاتها، مبنای طرح نزدیک شدن سیستمها قرار گیرد، این رویکرد باید همراه با احتیاط های زیادی باشد، زیرا سیاستهای محلی از کشوری به کشور دیگر متغیرند. با وجود این، خطوط راهبردی وجود دارد که یا به وسیله مقامات ملی یا مقامات فراملی (با اینکه مقامات ملی آن را به عنوان یک امر داخلی تلقی می‌کنند) تهیه شده است، در هر دو مورد اصول یک چیز هستند.

مقامات ملی، اغلب در منابع مختلف، ایده بازپذیری و درمان محکوم علیه را مورد تأکید قرار می‌دهند. اصل ۲۵ قانون اساسی اسپانیا مقرر می‌دارد: «مجازاتهای محرومیت از آزادی [...] گرایش به بازپروری و بازپذیری دارند». بسیاری از قوانین زندانها یا قوانین (جزا یا آیین دادرسی کیفری) در بردارنده همین رویکرد هستند.

متون فراملی، اغلب در این خصوص واضح‌ترند. تخبست باید به مجموعه قواعد حداقل برای اصلاح و درمان زندانیان<sup>۳</sup> و راه‌حل پذیرفته شده در سال ۱۹۹۵، که به هنگام اولین کنفرانس سازمان ملل متحد برای پیشگیری و اصلاح بزهکاران تصویب شده است، اشاره کرد. در طی ۹۵ ماده بحث شده، اصول کلی آرمانی رؤیت می‌شود. سخن از «توصیف تفصیلی یک سیستم زندانها نمونه» نیست (ماده ۱). هدف تشویق و ترغیب تلاشهای مستمری است که اعمال این قواعد را هدف گرفته‌اند، ضمن در نظر داشتن اینکه این قواعد در کل شرایط حداقلی است که سازمان ملل متحد پذیرفته است (ماده ۲).

در کنار این مجموعه جهانی، باید قواعد اروپایی زندانها را که دربردارنده توصیه نامه شماره ۳ (۸۷) R، مصوب کمیته وزرای شورای اروپا در ۱۲ فوریه ۱۹۸۷ است، به عنوان مجموعه اروپایی ذکر کرد. شش «اصل اساسی» این قواعد با اصول کرامت، بازپذیری اجتماعی، حقوق فردی ... آمیخته است. در طی ۱۰۰ ماده، قواعد عمومی مربوط به تمام مراحل

1. M.Cusson, "De l'évolution pénale" *Déviance et société*, 1990, vol. XIV, p.316

2. Bulletin d'information pénologique, précité, p.108

3. Publiée dans *Droits de l'homme*, Recueil d'instruments internationaux, Nations Unies, New York, 1983, p.81 et s.

4. Commentaires de P.COVRAT à la revue de science criminelle, 1998, p.132 et s. et J.PRADEL à la Revue Pénitentiaire de droit pénal, 1988, p.700 et S.

اقامت محکوم به مجازات سالب آزادی به چشم می‌خورد. اما این در مجموعه جهانی و منطقه‌ای تمام تفاسیل (جزئیات) ناشی از رویه عملی را ارائه نمی‌دهند و تنها دارای یک ارزش اعلامی هستند. با وجود این، به روشنی ملاحظه می‌شود که قواعد اروپایی زندانها<sup>۱</sup> «یک رفتار و اعمال مادی در قلمرو زندان‌ها را براساس خطوط اصلی گنجانده شده در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر<sup>۲</sup> به وجود آورده است، تا بدین وسیله اهمیت آنها را در عمل نشان دهد. در حقیقت، این قواعد یک راهنما برای قانونگذاران ملی تلقی می‌شوند و نوعی از قواعد حداقلی حقوق را که می‌تواند در حقوق خاص این کشورها وارد شود، به آنها پیشنهاد می‌کند. در این مورد به ذکر یک مثال بسنده می‌کنیم: ماده ۳۵ قواعد زندانهای اروپایی مقرر می‌کند که موارد ذیل باید توسط قانون و یا بخش نامه تعیین شوند:

(الف) رفتاری که متضمن یک جرم انضباطی است؛

(ب) نوع و مدت مجازاتهای انضباطی که می‌تواند اعمال شود؛

(ج) مقامات صلاحیتدار برای اعلام این جرایم؛

(د) مقامی که برای شکایت باید به آن رجوع کرد و آیین دادرسی قابل اجرا در این موارد.

تصویب نامه (قانون) فرانسوی ۲ آوریل ۱۹۹۶ (ماده د. ۲۴۹ و بعد قانون آیین دادرسی کیفری) به طور کامل از این متن پیروی کرده است. اسپانیا نیز از گذشته رفتاری منطبق با مصوبه مورخ ۸ مه ۱۹۸۱ داشته و بدین عنوان عمل کرده است. هم اکنون، بلژیک اصلاحیه‌ای را در مورد اجرای مجازاتهای سالب آزادی لحاظ نموده است: پیش نویسی از قانون سپتامبر ۱۹۹۷، که به وسیله استاد دوپن (Dupont) از دانشگاه هلندی زبان نوون (Leuven) تهیه شده است، اکنون موضوع رایزنی گسترده است. این پیش نویس و تفسیر مربوط به آن آشکارا از قواعد اروپایی زندانها الهام گرفته است. قواعد مورد بحث حتی به طور واضح در تفسیر آن بازتاب یافته است.

از لحاظ پیشرفتهای اولیه، به نظر می‌رسد که جهانی شدن حقوق کیفری:

۱- قبلاً به طور وسیعی در حقوق داخلی کشورها وجود داشته است؛

۱. این قید همچنین برای مجموعه قواعد حداقل رفتار با زندانیان معتبر است.

2. A. REYNAUD, les Droits de l'homme dans les prisons, Conseil de l'Europe, 1986, p.36.à propos de la Résolution (73) 5 du Conseil de L'europe, d'ou dériveront les Règles de 1987.

- ۲- با وجود این، شرایط کنونی درخصوص اصول راهبردی مشترک محدود شده و تکنیک تفصیلی همچنان در صلاحیت مقامات ملی (داخلی) است؛<sup>۱</sup>
- ۳- جهانی شدن، اساساً هرگز نمی‌تواند به عنوان یک حقوق فنی مشترک برای تمام کشورها مطرح شود. «این قواعد همه گاهی و همه جایی نیستند و بویژه با توجه به نوع و تکرار زمینه‌ها و شرایط گوناگون حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی که در جهان کنونی با آن مواجهیم؛ قابل اعمال هستند.»<sup>۲</sup>
- ۴- این قواعد به طور قطع، همچنان مستعد توسعه‌اند؛ بویژه:
  - الف) در چهارچوب مجموعه‌های منطقه‌ای (اروپا - آمریکای لاتین، خاورمیانه ...)
  - ب) حتی در چهارچوب مجموعه‌های وسیعتر، در مورد رفتارهای خاصی که جامعه را با خطرات جدی تهدید می‌کنند، مانند جرایم سازمان یافته.<sup>۳</sup>
- ۵- این قواعد به طور استثنایی، در چهارچوب یک عدالت فرا ملی برای بعضی از جرایم منظور شده و یا می‌تواند منظور گردد.

۱. این موضوع با توجه به رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر و کمیسیون سابق اروپایی حقوق بشر (منحل شده در نوامبر ۱۹۹۸) که آقای ژان - کلود سوآبه (J.C.Soyer) حضور آن بوده است، بسیار روشن است. نگاه کنید به ژان پرادل :

Vers des principes directeurs aux diverses procédures pénales européennes Métanges  
Levasseur, la Gazette La palais et litte, 1992. p.459 et s.

به طور مثال دیوان استراسبورگ با مد نظر قرار دادن اینکه فرآیند رسیدگی باید نوافقی باشد مع الوصف به دولت‌ها اجازه‌ی ارزیابی ملی از این اصل را داده است.

V.P. LANBERTI, Marge national d'appréciation et control de propotion in l'interprétation de la convention européenne des droits de l'homme, Btuylant, cool. Droit et justice, 1998. p. 63- 89; J PRADEL et G CORSTENS, Droit penal européen. 1999, n 269 et s.

(این مقاله توسط مرحوم دکتر منوچهر خزانی به فارسی ترجمه و در ص ۷۵ شماره ۲۱ مجله حقوقی دفتر خدمات بین المللی چاپ شده است).

2. Ensemble des règles minima pour le traitement des détenus . précité , art.2

با این وجود ممکن است مواردی پیش بیاید که یک تعریف پذیرفته شده توسط یک کنوانسیون بین المللی درحقوق داخلی مشاهده شود. بطور مثال مفهوم توافق ممنوعه، آنچنانکه بوسیله معاهده رم ۱۹۵۷ ( ماده ۱-۸۵) تعریف شده، تقریباً عر ماده ۷ تصویب نامه اول دسامبر ۱۹۸۶ درخصوص آزادی قیمت و رقابت، یافت می شود.

۳. دراین خصوص نکند: به قوانین تصریب شده اخیر بوسبته کشورهای که لزوماً قوانین آنها به هم نزدیک نیست. مانند قانون شیلیایی ۱۷ مه ۱۹۸۴ درخصوص ترورسیم، قانون فرانسوی ۹ سپتامبر ۱۹۸۶ درمورد ترورسیم، قانون برزیلی ۲ مه ۱۹۹۵ درخصوص جرم سازمان یافته، قانون مکزیک ۶ نوامبر ۱۹۹۶ درخصوص بزهکاری سازمان یافته و غیره.

## بخش دوم - ظهور یک عدالت کیفری فراملی

در بخشهای خیلی استثنایی بزهکاری (بزهکاری که فرامرزی، بسیار خطرناک، و در عین حال مرتبط با چندین دولت است) بتدریج عدالت فرامرزی در حال شکل گیری است. پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵، دادگاههای بین‌المللی، برای محاکمه جنایتکارهای جنگی ایجاد شد. در این خصوص دادگاههای نورنبرگ و توکیو را به یاد داریم. این دادگاهها اکنون وجود ندارند، اما سوابق آنها باقی است. امروزه کوششهای فراوانی برای ایجاد چنین دادگاههایی انجام گرفته است. هدف، در این جا وارد شدن در جزئیات نیست، بنابراین به طور خلاصه و فهرست‌وار به ذکر نمونه‌ای از کارهای انجام شده و فعالیتهایی که هنوز استمرار دارند، بسنده می‌کنیم:

الف) بهترین نمونه، فعالیتهای انجام شده به وسیله دو دادگاه کیفری بین‌المللی است که یکی در لاهه (برای محاکمه جنایتکاران جنگی در یوگسلاوی سابق)<sup>۱</sup> و دیگری در اروشادر نائزانی (برای محاکمه جنایتکاران جنگی رواندا) مستقر گردیده است.<sup>۲</sup> رژیم حقوقی این دادگاهها عبارت از اجرای چیزی است که از آن به عنوان «تطبیق گرایی» (Comparativisme) نام برده شده است. حقوق جدیدی که به مدد آورده و تطبیق الگوهای گوناگون موجود، یا به عرصه وجود نهاده است.

در خصوص دادگاه لاهه - که تقریباً مشابه دادگاه اروشاست - می‌توان وجود این ترکیب را بوضوح ملاحظه کرد. البته، باید خاطر نشان نمود که قواعد آیین دادرسی کیفری که توسط قضات اعمال می‌شود، ساخته و پرداخته خود آنهاست و چون تعداد آنها یازده نفر است، و ظاهراً به فرهنگهای حقوقی گوناگون تعلق دارند، لزوماً این قواعد بیانگر نوعی تلفیق است.

این قواعد که بعضی اتهامی و بعضی دیگر تفتیشی هستند، ریشه در مقررات داخلی دارند، اما مسلم است که گرایش کلی به سمت سیستم اتهامی است: در اینجا دیگر قاضی تحقیق وجود ندارد، زیرا دلیل توسط وکلا و دادستان ارائه می‌شود. بازجویی و بازجویی متقابل در جلسه دادگاه و توسط اصحاب دعوی صورت می‌گیرد، تقسیم فرآیند رسیدگی یا

۱. دادگاهی که در اجرای قطعنامه مصوب ۸۲۷ مورخ ۲۵ مه ۱۹۹۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد، مستقر گردید.

۲. دادگاهی که در اجرای قطعنامه مصوب ۹۵۵ مورخ ۸ نوامبر ۱۹۹۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد، مستقر گردید.

نخستین تصمیم درباره (مجرمیت) متهم و دومین تصمیم درخصوص مجازات او؛ و عدم حضور مدعی خصوصی.<sup>۱</sup> با وجود این، نمی‌توان از تأثیر اندک سیستم تفتیشی غافل ماند، عدم وجود سیستم دلایل قانونی و همچنین نبود قواعد فن بازرجویی اشخاص، فقدان هیأت منصفه، اختیارات گسترده قاضی در جلسات دادگاه درباره تحصیل سایر ادله؛ به‌علاوه روند رسیدگی در دادگاه با توجه به استماع بعضی از شهود برای همان پرونده به میزان فراوانی به درازا می‌کشید. در سال ۱۹۹۸، قضات مقررات رسیدگی را در یک رویکرد بیشتر تفتیشی، با ایجاد یک «قاضی تحقیقات» (le juge de mis en état) و البته نه یک «بازپرس»، اصلاح نمودند.<sup>۲</sup> طبق ماده ۶۵ مقررات آیین دادرسی، قاضی تحقیقات، تحت نظارت و کنترل شعبه ارجاع کننده پرونده، وظیفه هماهنگ نمودن مبادلات بین طرفین را در مرحله مقدماتی فرایند رسیدگی، برعهده دارد.

قاضی تحقیق، تضمین می‌کند که در رسیدگی هیچگونه تأخیر غیرقابل توجیهی وجود نداشته است و تمامی اقدامات لازم را در جهت اینکه پرونده برای یک رسیدگی عادلانه و سریع آماده شود، انجام دهد. این چکیده‌ای از ایده کلی است.

اما در تفصیل آن باید افزود: ماده ۶۵ ter، به قاضی اجازه داده است که موارد توافق و اختلاف را درخصوص جنبه‌های حکمی و موضوعی<sup>۳</sup> لحاظ نموده، طرفین را مکلف کرده است تا لوائح مکتوب خود را به شعبه دادگاه تقدیم و ضرورتاً، اظهارات طرف مقابل را استماع کنند. به‌علاوه، نقش خود دادگاه در این خصوص برجسته و حایز اهمیت است. طبق ماده ۷۳ جدید مکرر، شعبه قبل از آغاز مباحثات و به منظور تسریع در روند رسیدگی، یک کنفرانس مقدماتی را ترتیب می‌دهد و به طور مثال شعبه دادگاه می‌تواند از دادستان دعوت کند تا بویژه موارد توافق و یا اختلاف خود با وکلا را گزارش داده و فهرستی از شهود استماع شده توسط وی و خلاصه‌ای از اقداماتی را که برای آنها این فهرست تهیه شده

1. G.BITTI, Développement des règles internationales de procédure pénale, rapport de synthèse. Contribution à la conférence internationale à l'occasion du xxv anniversaire de l'Institut supérieur international de sciences Criminelles, Syracuse, 16-20 décembre 1997 sur le thème les systèmes comparés de justice pénal: de la diversion au rapprochement, Nouvelles études pénales, Eres, n.17, 1998, p.368.

۲. بدنبال استماع نظرات چندین کارشناس بین‌المللی، قضات و اساتید.

۳. برای مثال اگر مضمون گواهی هر دو شاهد اسری واحد باشد، می‌توان در اینخصوص با طرفین توافق نمود که تنها اظهارات یک یا دو تن از گواهان شنیده شود.

است، ارائه نماید. در این خصوص یک ماده جدید *ter ۷۳*، به طور موازی برای وکلا وضع شده است. به طور خلاصه، نقش قضات به طور چشمگیری افزایش یافته است. همچنین نمی‌توان وجود قواعدی با ویژگی بین‌المللی را که بهترین آن نمونه ذیل است، از یاد برد: در مورد فرار متهم، دادگاه یک «محاکمه انگ زنی» (*Procès de stigmatization*) را با استماع شهود کافی ترتیب می‌دهد، به گونه‌ای که متهم به عنوان فاعل (جرائم انتسابی) به جامعه بین‌المللی معرفی می‌شود. افزون بر این دادگاه می‌تواند علیه وی، یک دستور جلب بین‌المللی (*mandat d'arrêt international*) صادر کند (ماده ۶۱ مقررات). این امر در واقع برای جبران فقدان رسیدگی (*in absentia*)<sup>۱</sup> و آرام کردن افکار عمومی صورت می‌گیرد، اما باید یادآوری کرد که دادگاه در این مورد، هیچ گونه مجازاتی را اعلام نمی‌کند.<sup>۲</sup>

ب) اندیشه یک عدالت فراملی، محدود به دادگاه‌های لاهه و اروشا نمی‌شود، بویژه اینکه دادگاه‌های مذکور که به شیوه دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو برپا می‌شوند، موقتی و گذرا هستند (دست کم از لحاظ تئوری ...). شایان ذکر است که کوشش‌های دیگر در اینخصوص در جریان است.

در نتیجه کوششهای پیگیر و مستمر، سرانجام سازمان ملل متحد، تصمیم گرفت که یک دادگاه بین‌المللی دایمی را تشکیل دهد. در ژوئیه ۱۹۹۸، به هنگام کنفرانسی که در رم برگزار شد، اصل تشکیل یک دادگاه کیفری بین‌المللی به تصویب رسید.<sup>۳</sup> خطوط اصلی آن بدین شرح است: در وهله اول این دادگاه تنها پس از مدت سه سال از تاریخ تصویب آن توسط ۶۰ دولت، تأسیس می‌گردد. سپس، صلاحیت آن، مکمل صلاحیت دادگاه‌های ملی درباره برخی از جرائم خواهد بود. این جرائم بویژه عبارتند از: نسل‌کشی (که شامل «ارتکاب فعل به قصد از بین بردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی» است)،

۱. در واقع می‌دانیم که در حقوق کانس لا (*common law*) یک چنین فضاوتی غیرقابل تصور است، درحالی‌که در اغلب حقوق کشورهای دارای سیستم رومی - ژرمنی این مورد پذیرفته شده است. در اینجا کوشش‌های مشترکی که منجر به یک حقوق خاص با ماهیت فراملی می‌شود را ارزیابی می‌کنیم.

۲. اصلی که ۱۲۰ دولت از ۱۶۰ دولت به آن رای داده و کشورهای امریکه روسیه و چین به آن رای منفی دادند.

۳. G.BITTI, les tribulation de la justice pénale internationale du xx siècle. La création d'une Cour Criminelle internationale permanente: affrontement ou conciliation des dogmes en procédure, séminaire précité des 16-20 décembre 1997, P.395 et s. (étude écrite en 1997, donc avant la conférence de Rome).

جنایت علیه بشریت (که با اطلاع از آثار آن در چهارچوب حمله برنامه ریزی شده علیه جمعیت‌های غیرنظامی یا در یک مقیاس بزرگ ارتکاب می‌یابد)، جنایت جنگی («وقتی که این جنایت جزء نقشه یا طرح یک سیاست معمول در سطح وسیعی است ... به کار بردن سلاحها و روشهای جنگی، به منظور ایجاد درد و رنجهای نمادین، سطحی و خسارت‌های بیهوده»).

بعلاوه، درخصوص آیین دادرسی، دیوان، بنا به درخواست شورای امنیت سازمان ملل متحد یا براساس شکایت یک دولت عضو معاهده، شروع به رسیدگی می‌کند، با این توضیح که هر دولت امضاء کننده می‌تواند در مدت ۷ سال و درخصوص جرایم جنگی از تعهدات ناشی از معاهده شانه خالی نماید. با این حال، اگرچه دادستان دیوان می‌تواند تحقیقات را آغاز نماید، ولی شورای امنیت می‌تواند تعلیق آن را به مدت ۱۲ ماه قابل تمدید و از او درخواست نماید.

این دادگاه جدید اصولاً و به دلایل اخلاقی فراوان باید مورد تأیید باشد. ضمن اینکه به نظر می‌رسد که دادگاه مزبور نسبت به دادگاههای بزرگ نورنبرگ و توکیو، که به نفع فاتحان جنگ حکم می‌دادند، از جایگاه بالاتری برخوردار است، اما این دیوان، چنانکه اظهار شده است، به دلیل مخالفت بعضی از قدرتهای بزرگ، به دلیل فقدان پلیس مخصوص، خطر انحراف سیاسی و سرانجام به دلیل تردیدی که در مورد فعالیت آزاد آن ابراز شده، بسیار شکننده به نظر می‌رسد.

همگام با کوششهای سازمان ملل متحد، مجموعه مقررات حقوقی (corpus juris) طرح تهیه شده در چهارچوب محدودتر اروپای جامعه مشترک، برای تسهیل در مجازات، تقلب از سوی این کشورها، مورد استقبال قرار گرفته است.<sup>۱</sup> اندیشه اصلی این است که به جای اجازه اقدام به مقامات داخلی که بدون نظم و ترتیب خاصی صورت می‌گیرد، یک دادستان عمومی اروپایی که تحقیقات را به کمک پلیسهای ملی انجام می‌دهد، ایجاد خواهد شد. این

۱. مجموعه مقررات حقوقی، یک متن تهیه شده پوسبله گروهی از کارشناسان دعوت شده توسط آقای فرانسیسکو آترلی، مدیر کمیسیون اروپایی از سال ۱۹۹۵ است، که در آوریل ۱۹۹۷ توسط پارلمان مورد استفاده واقع شده است و نک:

L'ouvrage Corpus juris portant dispositions Pénales Pour la Protection des intérêts Financiers de L'Union européenne, sous la direction de M.DELMAS-MARTY, Economica, 1997. Pour une Présentation synthétique, on lira Ch. VANDEN WYNGAERT, Une perspective eurocentrique sur la répression de la délinquance transnationale européenne: le Projet espace judiciaire européen et le Corpus juris, séminaire Précité des 16-20 décembre 1997, P. 443 et s.

قاضی در پایان تحقیقاتش، پرونده را به دادگاههای داخلی ارجاع می‌دهد. بعلاوه، هر دولت دارای یک «قاضی آزادی‌ها» (Juge des libertés) که واجد صلاحیت صدور قرارها و دستورهای بازرسی منازل و شنود تلفنی است، خواهد بود. این تصمیمات تنها در چهارچوب «فضای (منطقه) قضائی اروپا» مؤثر است. درخصوص ادله اثبات دعوی، ساز و کار «گزارش مکتوب جلسات» که به صورت جلسه‌های اروپایی مشهور شده است و دارای ارزش اثباتی در تمام کشورهای جامعه اروپاست، ایجاد خواهد شد. روی هم رفته، دادستان عمومی اروپا ترکیبی از عناصر داخلی و یک عنصر فراملی خواهد بود.

مانند دیوان کیفری بین‌المللی، مجموعه مقررات حقوقی نیز، پرسشهای فزاینده‌ای را به همراه خواهد داشت. یک دادگاه فراملی که با سستها و حاکمیت در چالش است، بسیار دشوار ایجاد خواهد شد، اما به هر شکل جهانی شدن حقوق کیفری در حال شکل‌گیری است. همواره قواعد مشترک زیادی وجود خواهند داشت که از فرهنگهای حقوقی مختلف اقتباس شده‌اند. با وجود این، و قطع نظر از مواردی خاص، آینده بی‌تردید از آن حقوق مشترکی است که از اصول راهبر فراهم آمده است و نیز از آن «جهانی سازی - هماهنگ سازی» است و نه از آن «جهانی سازی - وحدت». از این موضوع باید خرسند بود.

## منابع

- R.REMOND, Introduction a l'histoire de notre temps, III-le xxe siecle de 1914 a nos jours, le seuil, 1989.
- J.B.HERZOG , "Les Principes et les methodes du droit penal compare " , Revue internationale du droit Compare , 1957 .
- F.FALLETTE et F. DEBOVE , Planete Criminelle , PUF , 1998. Adde Tendances de la Criminalite et Fonctionnement de la justice penal aux niveauu regional et international , enquete publiee periodique ment par les Nations Unies : la derniere enquete remontant a 1993.
- M.ANCEL, comment aborder le droit compare? Melanges R.Rodiere , Dalloz , 1981 , p.3 etc. , F.TULKENS , rapport de synthese au theme les systeme de justice penal compare . De la diversite au rapprochement . les politiques penales et compartivisme . Actes de la conference inter uational a l'occasion du xxv anniversaire de l'institut superieur international de science Criminelles , Syracuse , 16-20 decembre 1997 , Nouvelles etudes Penales , Eres , n 17 .
- J.Y.MORIN , L' Etat de droit : emergence d'un principe du droit international , Academie de Droit international Academie de Droit international Nijhoff, 1995.
- J.bustos RAMIREZ et. M.VALENZUELA BEJAS, le systeme penal des pays de l'Amérique Latine (avec reference au code penal type latino-americain ) , pedone 1983 .
- J.PRADEL , Droit penal compare precite , n. 132 . N.JUSTIN – DENIES ET D.SPIEL MANN . L'infraction inachevee en droit penal compare, preface ch.Hennau-Hublet, Bruylant (BRUXELLES ) , 1997.
- R.VOUIIN , Revue de science criminelle , 1965 . p . 823 et al. J.p.DOUCET, la gazette du palais , 1966 . I , doct .
- les atteintes a la liberte avant Jugement en droit penal compare , sous la direction de J.PRADEL , Travaux de l'institut de Sciences Criminelles de poitiers , 1992 , vol.XI , Cujas .
- P.LARSSON.Norwegian penal policy in the 80 . publication du laboratoire de science criminologique , faculte de droit de thrace ( Grece) Vol. decembre 1993.
- Bulletin d'information penologique , conseil de L'Europe, n. 21 , decembre 1998.
- M.Cusson , "De l'evolution penal " Deviance et societe , 1990, vol . XIV. Bulletin d'information penologique , precite .

- Publiée dans Droits de l'homme , Recueil d'instruments internationaux, Nations Unies , New York . 1983 .
- commentaires de p.couvra à la revue de science criminelle , 1998 . et J.PRADEL à la Revue Pénitentiaire et droit pénal . 1988 .
- A.REYNAUD , les droits de l'homme dans les prison , Conseil de l'Europe . 1986 . p.36.à . propos de la Résolution (73) 5 du Conseil de L'europe , d'ou dériveront les Règles de 1987.

( این مقاله توسط مرحوم دکتر منوچهر خزائی به فارسی ترجمه و در ص ۷۵ شماره ۲۱ مجله حقوقی دفتر خدمات بین المللی چاپ شده است ) .

Ensemble des règles minima pour le traitement des detenus , précité , art.2

JOHNSON à la Revue international de droit pénal , vol . 67 .

- G.BITTI , Développement des règles internationales de procédure penale , rapprt de synthèse Contribution à la conférence international à l'occasion du xxv anniversaire de l'Institut superieur international de science Crimineelles , Syracuse , 16-20 décembre 1997 sur le thème les systèmes comparés de justice pénal : de la diversion au rapprochement , Nouvelles études pénales, Eres, n.17 , 1998 .
- G.BITTI , les tribulation de la justice pénale internationale du xx siècle. La création d'une Cour Criminelle internationale permanente : affrontement ou conciliation des dogmes en procédure, séminaire précité des 16-20 décembre 1997 , (étude écrite en 1997 , donc avant la conférence de Rome ) .